

رسالهٔ یعقوب

درس
اول

مقدمه‌ای بر یعقوب



THIRD MILLENNIUM
MINISTRIES

Biblical Education. For the World. For Free.

© 2020 by Third Millennium Ministries

All rights reserved. No part of this publication may be reproduced in any form or by any means for profit, except in brief quotations for the purposes of review, comment, or scholarship, without written permission from the publisher, Third Millennium Ministries, Inc., 316 Live Oaks Blvd., Casselberry, Florida 32707.

Unless otherwise indicated all Scripture quotations are from the HOLY BIBLE, NEW INTERNATIONAL VERSION. Copyright © 1973, 1978, 1984, 2011 International Bible Society. Used by Permission of Zondervan Bible Publishers.

ABOUT THIRD MILLENNIUM MINISTRIES

Founded in 1997, Third Millennium Ministries is a nonprofit Christian organization dedicated to providing **Biblical Education. For the World. For Free.** In response to the growing global need for sound, biblically-based Christian leadership training, we are building a user-friendly, donor-supported, multimedia seminary curriculum in five major languages (English, Spanish, Russian, Mandarin Chinese, and Arabic) and distributing it freely to those who need it most, primarily Christian leaders who have no access to, or cannot afford, traditional education. All lessons are written, designed, and produced in-house, and are similar in style and quality to those on the History Channel[®]. This unparalleled, cost-effective method for training Christian leaders has proven to be very effective throughout the world. We have won Telly Awards for outstanding video production in Education and Use of Animation, and our curriculum is currently used in more than 192 countries. Third Millennium materials take the form of DVD, print, Internet streaming, satellite television transmission, and radio and television broadcasts.

For more information about our ministry and to learn how you can get involved, please visit <http://thirdmill.org>.

سرشناسه: رساله یعقوب (درس شماره ۱: مقدمه‌ای بر یعقوب)

حق چاپ ترجمه فارسی این اثر برای انتشارات خدمات مسیحی هزاره سوم محفوظ است. هرگونه نسخه‌برداری، چاپ، توزیع و دخل و تصرف در این اثر بدون اجازه ناشر مطابق قانون حق مؤلف ممنوع و منوط به کسب اجازه رسمی از ناشر است. ارجاعات کتاب مقدسی از ترجمه قدیم و هزاره نو (انتشارات ایلام) و ترجمه مؤده برای عصر جدید (انجمن متحد کتاب مقدس) گرفته شده است.

فهرست مطالب

(۱) مقدمه

(۲) پیش‌زمینه

نویسنده

نگرش سنتی

تاریخچه شخصی

مخاطب اصلی

دلیل نگارش

مکان

زمان

هدف

(۳) ساختار و محتوا

درود

حکمت و شادی

حکمت و اطاعت

عمل

تبعیض

ایمان

حکمت و صلح

زبان

دو نوع حکمت

تنازعات درونی

حکمت و آینده

نقشه کشیدن

ثروت‌اندوزی

انتظار صبورانه

حکمت و دعا

نصیحت پایانی
(۴) نتیجه‌گیری

مقدمه‌ای بر یعقوب

مقدمه

یک لحظه خیال کنید در دوران رشد و کودکی خود با خواهر یا برادر یا یکی از دوستان‌تان هستید. دارید با هم بازی می‌کنید، با هم یاد می‌گیرید و با هم بزرگ می‌شوید. این شخص در اکثر مواقع زندگی شما، کنار شما بوده و یک روز، دوست، خواهر یا برادر شما ادعا می‌کند که «همان برگزیده» است. خُب، برای یعقوب، برادر عیسی، این داستان خیالی نیست. یعقوب در سال‌های جوانی شک کرد که عیسی همان منجی موعود باشد. اما بعدها در زندگی، نه تنها پیرو عیسی شد، بلکه راهبر کلیسای اورشلیم شد و کتابی از عهد جدید را نوشت که نام او را بر خود داشت.

این اولین درس از مجموعه ما تحت عنوان «رساله یعقوب» است که ما آن را «مقدمه‌ای بر یعقوب» نامگذاری کردیم. در این درس، به شماری از موارد مقدماتی خواهیم پرداخت که به ما در نیت‌مان در تفسیر وفادارانه این قسمت از عهد جدید کمک خواهند کرد.

به دو طریق «مقدمه‌ای بر یعقوب» را مورد بررسی قرار خواهیم داد. اول، به کنکاشی در پیش‌زمینه کتاب خواهیم پرداخت. و دوم، ساختار و محتوای آن را بررسی خواهیم کرد. بیاید کار را با پیش‌زمینه کتاب یعقوب آغاز کنیم.

پیش‌زمینه

در مورد هر کتابی از کتاب مقدس، مهم است تا حد امکان زمینه پیرامون نگارش آن را درک کنیم. کتب مختلف کتاب مقدس در شرایط تاریخی واقعی توسط افرادی با انگیزه‌ها و دغدغه‌های ویژه نوشته شده‌اند. بنابراین، مطالعه این نوع موارد پیش‌زمینه‌ای، می‌تواند به ما در درک خود این کتاب‌ها کمک کنند. وقتی زمینه و انگیزه‌های مرتبط با کتاب یعقوب را در نظر می‌گیریم، برای درک معنای این رساله در زمان نگارش اولیه آن آماده‌تر هستیم و می‌توانیم با کارایی بیشتری سخنان یعقوب را در زندگی امروز خود به کار ببندیم.

برای درک پیش‌زمینه یعقوب، ابتدا به نویسنده کتاب توجه می‌کنیم. سپس، به مخاطبین اولیه نگاهی خواهیم انداخت. و در نهایت، دلیل نگارش رساله یعقوب را بررسی خواهیم کرد. بیاید با نویسنده رساله یعقوب کار را شروع کنیم.

نویسنده

با اینکه می‌دانیم روح‌القدس کلام خدا را الهام کرده، اما بسیاری از کتب کتاب‌مقدس مثل یعقوب، نویسندگان انسانی آنها را نیز مشخص کرده‌اند. و هر چقدر بیشتر در مورد نویسندگان کلام خدا بدانیم، برای درک و تفسیر نوشته‌های آنها آماده‌تر خواهیم بود. بنابراین، به همین دلیل، باید تا آنجا که می‌توانیم درباره نویسنده رساله یعقوب شناخت حاصل کنیم.

برای بررسی نویسندگی یعقوب، دو موضوع را در نظر خواهیم گرفتیم. اول، نگرش سنتی مبنی بر اینکه یعقوب، برادر کوچک‌تر عیسی، نویسنده رساله است را مورد کنکاش قرار می‌دهیم. دوم، زندگی شخصی نویسنده را بررسی خواهیم کرد. بیاید با نگاهی بر نگرش سنتی بر این موارد کار را شروع کنیم.

نگرش سنتی

این رساله در یعقوب ۱:۱ با این عبارت ساده آغاز می‌شود:

یعقوب که غلام خدا و عیسی مسیح خداوند است، به دوازده سبط که پراکنده هستند. خوش باشید. (یعقوب ۱:۱).

همانطور که می‌بینیم، این نامه آشکارا مردی به نام «یعقوب» را به عنوان نویسنده می‌شناسد. اما این بخش تحیات، دقیقاً مشخص نمی‌کند که این مرد که بود. پنج مرد مختلف در عهد جدید، که دو تن آنها از شاگردان مسیح بودند، یعقوب نام داشتند. اما فقط دو نفر از این پنج نفر دارای اقتدار کافی برای نگارش رساله‌ای اینچنینی در کلیسای اولیه بودند.

شخص اول از این دو نفر، یعقوب، پسر زبدي و برادر یوحنا بود. اما مطابق اعمال رسولان ۱۲:۲، این یعقوب در دوران هیروودیس آگریپاس اول در حدود سال ۴۴ میلادی شهید شد. همانگونه که بعدها خواهیم دید، دلایل خوبی وجود دارند که باور کنیم کتاب یعقوب بعد از مرگ هیروودیس نوشته شده است. بنابراین، بسیار غیرمحمتمل است که یعقوب، پسر زبدي، نویسنده کتاب باشد. دومین یعقوب، برادر کوچک‌تر عیسی است که راهبر کلیسای اولیه در اورشلیم نیز بود. این یعقوب، با فاصله بسیار، بین این دو پراوازه‌تر است و همانی است که اکثر الاهی‌دانان در طی قرون نگارش این رساله را به او منتسب کرده‌اند.

تائیدات بسیاری برای این نگرش سنتی وجود دارد که یعقوب، برادر عیسی این رساله را نوشته است. اما چند نظر مخالف هم وجود دارد. بیاید ابتدا به تائیدات پردازیم.

تاییدات: نخست آنکه در ۱: ۱، نویسنده به غیر اینکه از خود به عنوان «غلام خدا و خداوند عیسای مسیح» صحبتی کند، اشاره‌ای فراتر نمی‌کند. نویسنده به راحتی فرض را بر این می‌گیرد که نام او به تنهایی قابل شناسایی است و اقتدار کافی را با خود به همراه دارد. و بر اساس این اقتدار، رسالهٔ او حاوی فرامین محکمی هستند. با این حساب، این بخش تحیات آغازین، دلیل محکمی برای برادر عیسی یعنی یعقوب به خاطر جایگاه او در کلیسای اولیه در اورشلیم فراهم می‌کند.

خُب، در دوران کلیسای رسولانی، سوال در باب اقتدار مسئلهٔ خیلی مهمی بود. چه کسی اقتدار تعلیم و هدایت این جامعهٔ نوپای پیروان عیسای مسیح را دارد؟ نوشته‌های مختلفی دست به دست می‌گشتند، ادعاهای متعددی مبنی بر اقتدار وجود داشت، و یکی از معیارهای بسیار مهم، شاهد بودن خدمت عیسی بود، یعنی کسانی که شاهدان عینی خدمت او بودند، با خود خداوند وقت گذرانده بودند می‌توانستند ادعای درستی برای اقتدار تعلیم در کلیسای اولیه داشته باشند. حالا، یعقوب، برادر عیسی، البته، شاهد عینی خدمت او بود، اما بیش از آن، در واقع شاهد کل زندگی او بود و اینکه نقش مهمی در این ترازو ایفا می‌کرد، اینکه تعلیم یعقوب و وزنی که رسالهٔ یعقوب به کلیسای اولیه می‌بخشید.

کشیش دکتر مایکل واکر

در جایگاه دوم، شهادت کلیسای اولیه این نگرش دربارهٔ نویسنده را تایید می‌کند. «اولین رسالهٔ کلمنت»، نوشتهٔ حدود ۹۶ میلادی، و «شبانِ هِرماس»، نوشتهٔ حدود ۱۴۰ میلادی، هر دو یا به رسالهٔ یعقوب ارجاع می‌دهند و یا از آن نقل قول می‌کنند. و اریجن، که در سال ۲۵۴ میلادی فوت کرد، چندین بار در کتاب تفسیرش بر رسالهٔ رومیان از کتاب یعقوب نقل قول کرده است. استفادهٔ اریجن از رسالهٔ یعقوب اهمیت ویژه‌ای دارد چون در کتاب ۴، بخش ۸، اریجن یعقوب نویسنده را «برادر خداوند» می‌شناسد. ما همچنین می‌دانیم که کلیسای شرق، و بعدها کلیسا در غرب، این نامه را به عنوان اثر برادر عیسی پذیرفتند.

حال، علی‌رغم این تایید محکم از دیدگاه سنتی که برادر عیسی یعقوب نویسنده بوده است، مخالفت‌هایی هم وجود داشته است.

مخالفت‌ها: مفسرین منتقد دست کم دو جایگزین پیشنهاد کرده‌اند. برخی مفسرین به دنبال یعقوبی ناشناس در کلیسای اولیه هستند و می‌گویند شخصی که رساله را نوشته نامش در واقع یعقوب بود اما پسر زبدي یا برادر عیسی نبود. او گمنام است چون در هیچ نوشتهٔ دیگری در کلیسای نوپا ذکر از او نشده بود. اما، این نظریه

غیرمحمتم است. همانطور که پیشتر اشاره کردیم، سادگی اشاره به نویسنده در ابتدای این رساله نشان می‌دهد که او نام‌آشنا بوده است. بسیار بعید است که مطلب دیگری درباره او نوشته نشده باشد.

نظریه دوم از سوی مفسرین منتقد، تخلص‌گزینی است. تخلص‌گزینی به شیوه‌ای اشاره دارد که آثار مکتوب به شخصی غیر از نویسنده حقیقی منتسب می‌شوند. این شیوه در قرن اول به دلایل متعددی بین یهودیان اتفاق می‌افتاد. یک دلیل برای تخلص‌گزینی، وزن یا اقتدار بخشیدن به کتاب یا رساله بود. در مورد رساله یعقوب، مفسرین منتقد استدلال کرده‌اند که کسی غیر از یعقوب از اسم او استفاده کرده تا پذیرش عمومی‌تری برای رساله خود در کلیسا کسب کند. حال، مطابق متونی مثل دوم تسالونیکیان ۲: ۲، این شیوه در قرن اول کلیسا به عنوان فریب مورد تقبیح واقع شده است. اما مفسرین منتقد هنوز دست‌کم سه استدلال برای این مخالفت می‌آورند.

اول اینکه می‌گویند، هیچ اشاره‌ای به رابطه نویسنده با عیسی وجود ندارد. می‌گویند غیر قابل تصور است که برادر عیسی به کلیساها نامه نوشته و این ارتباط خانوادگی را در معرفی خود عیان نکرده باشد. اما یهودا، نویسنده رساله یهودا هم برادر عیسی بود. و هرگز در رساله‌اش ذکری از رابطه خونی با عیسی نیاورده است. بنابراین، این استدلال برای تخلص‌گزینی در بهترین شرایط، ضعیف است.

دوم اینکه بعضی صاحب‌نظران منتقد، فرض را بر تخلص‌گزینی می‌گذارند چون کتاب شواهدی ارائه می‌کند که نویسنده به فرهنگ هلنیستی یا یونانی آگاه بوده و یعقوب، یهودی‌ای از فلسطین بوده است. این درست است که نویسنده رساله یعقوب اندک آشنایی‌ای با فرهنگ یونانی داشته است. برای نمونه، در یعقوب ۳: ۶، او از عبارت «دائره کائنات» استفاده کرده است. این عبارت به صورت متداول در مذهب و فلسفه یونانی مورد استفاده قرار می‌گرفت. اما در زمان نگارش رساله یعقوب، بسیاری از یهودیان دانش‌آموخته در فلسطین چیزی فراتر از شناخت دم‌دستی از مذهب و فلسفه هلنیستی داشتند.

به علاوه، در حالی که زبان یونانی یعقوب در مقایسه با آنچه در دیگر بخش‌های عهد جدید می‌بینیم پیچیده‌تر است، اما به هیچ وجه پیچیده‌ترین یونانی موجود در عهد جدید نیست. در واقع، این رساله به لحاظ سبکی به کتاب‌هایی از قبیل «عهدهای دوازده پاتریارک» و سایر نوشته‌های یهودی هلنیستی آن زمان بسیار شباهت دارد. سومین استدلال تخلص‌گزینی به ناهماهنگی‌های تصویر الاهیاتی یعقوب در کتب اعمال رسولان و غلاطیان اشاره می‌کند. این نگاه پیشنهاد می‌کند که برخی از ایده‌های مطرح شده در رساله یعقوب با نگرش‌های الاهیاتی منتسب به یعقوب در این کتاب‌های دیگر عهد جدید همخوانی ندارد. برای نمونه، مفسرین منتقد به متونی مثل اعمال رسولان ۲۱: ۱۷-۲۵ و غلاطیان ۲: ۱۲ اشاره می‌کنند. آنها استدلال می‌کنند، به نظر می‌رسد یعقوب در این آیات بیشتر سخنگوی جایگاه یهودی - مسیحی محافظه‌کارانه در باب شریعت باشد. اما در یعقوب ۱: ۲۵ و یعقوب ۲: ۱۲، به نظر می‌رسد نویسنده نگرشی نسبتاً با مدارا از شریعت به خود می‌گیرد و آن را «شریعتی که آزادی می‌بخشد» می‌خواند.

اما این تفاوت‌ها آنقدر بزرگ نیستند که اندیشمندان منتقد جلوه می‌دهند. اگر نزدیکتر بنگریم، آیاتی که در اعمال رسولان و غلاطیان آمده تصویری افراطی از نقطه‌نظر یهودی-مسیحی به دست نمی‌دهند و موضع یعقوب دربارهٔ شریعت در اعمال رسولان و غلاطیان، در اصل، با الاهیات یعقوب بسیار هماهنگ است. همانگونه که می‌بینیم، استدلال‌ات علیه یعقوب، برادر عیسی، به عنوان نویسندهٔ این کتاب در بهترین شرایط ضعیف هستند. استدلال‌ات موافق نویسندگی یعقوب بسیار قانع‌کننده‌ترند. و به همین خاطر، اکثر صاحب‌نظران اوانجلیکال به درستی تصدیق می‌کنند که یعقوب، برادر عیسی، نویسندهٔ نامه‌ای است که نامش را بر آن داشت. بدین ترتیب، ما به نویسندگی یعقوب از نگاه سنتی نظر کردیم. حال، بیاید از نزدیک به تاریخچهٔ شخصی یعقوب نگاهی بیندازیم.

تاریخچهٔ شخصی

متی ۱۳: ۵۵، یعقوب را یکی از پسران مریم و یکی از برادران ناتنی عیسی می‌داند. شاید همین ارتباط خانوادگی دلیل تشابهات زیاد بین رسالهٔ یعقوب و تعالیم ثبت‌شدهٔ عیسی در اناجیل باشد. اما کتاب مقدس روشن می‌کند که وقتی یعقوب و دیگر برادرانش بزرگ می‌شدند، تشخیص نداده بودند که برادر بزرگ‌شان واقعا کیست. همانطور که یوحنا ۷: ۵ به ما می‌گوید:

حتی برادرانش نیز به او ایمان نداشتند (یوحنا ۷: ۵، ترجمهٔ تفسیری).

اما یعقوب در مقطعی از زندگی‌اش صاحب ایمانی نجات‌بخش به عیسی، به عنوان خداوند خود شد. در حقیقت یعقوب به آنچنان جایگاه برجسته‌ای در کلیسای اولیه رسید که پولس در غلاطیان ۲: ۹، او را یکی از «ارکان» کلیسا خواند. به علاوه، طبق اول قرن‌تین ۱۵: ۷، می‌دانیم که عیسی پس از قیام خود، به یعقوب ظاهر شد. جایگاه مقتدر یعقوب به خوبی در عهد جدید ثبت شده است. برای نمونه، او سه بار در کتاب اعمال رسولان به عنوان راهبر کلیسای اورشلیم ظاهر می‌شود؛ و در باب ۱۵ اعمال او را به عنوان سخنگوی شورای رسولانی می‌بینیم. حتی غیر مسیحیان هم اهمیت یعقوب در کلیسا را تصدیق کرده‌اند. یکی از مشهورترین روایات مرگ خشونت‌بار یعقوب در سال ۶۲ میلادی، از طرف یوسفوس، مورخ یهودی است. گوش کنید که او در کتاب بیستم از «روزگار باستانی» یا انتیکوئیتیس (Antiquities)، فصل ۹، بخش ۱، که در سال ۹۳ میلادی نوشته شده، شرایط پیرامون مرگ یعقوب را چطور تشریح می‌کند:

[حنانیا] قضات سنهدرین را جمع و برادر عیسی که او را مسیح می‌خوانند به حضور آنها حاضر کرد که اسم او یعقوب بود، و برخی دیگر را، و آنان را به تخطی از شریعت متهم کرد و به سنگسارشان سپرد.

شاید یعقوب در زمان رشد خود متوجه نشد که برادر بزرگش در حقیقت چه کسی است. اما از روایت یوسفوس، متن کلام خدا، و دیگر روایات تاریخی می‌توانیم ببینیم که او بعداً در زندگی بزرگسالی خود تعهدی ناگسستی به عیسی به عنوان مسیح داشت. همانطور که یوسیوس در «تاریخ کلیسا»، کتاب دوم، فصل ۲۳، از هیگسیپوس، مورخ مسیحی مقدم نقل قول می‌کند:

[یعقوب] هم برای یهودیان و هم یونانیان شاهدی حقیقی شد که عیسی، مسیح است.

حالا که پیش‌زمینه رساله یعقوب را با نگاه به برخی از مشکلات پیرامون نویسندگی بررسی کردیم، بیاید به مخاطب اصلی این رساله بپردازیم.

مخاطب اصلی

معمولاً الاهیدانان وقت و انرژی زیادی صرف می‌کنند که تا جای ممکن درباره نویسنده یک کتاب به‌خصوص از کتاب مقدس بیاموزند. اما کشف هویت مخاطب اصلی نیز به همان اندازه مهم است. اگر بخواهیم آنچه یک نویسنده کتاب مقدسی گفته است را به درستی تفسیر کنیم، اینکه بدانیم خوانندگان اصلی نویسنده که بوده و در آن برهه زمانی از تاریخ با چه چیزی روبرو بوده‌اند، مفید است. همانطور که پیش‌تر دیدیم، یعقوب در ۱: ۱ خوانندگان خود را اینطور مشخص کرد:

دوازده سبط که پراکنده هستند (یعقوب ۱: ۱).

به نظر می‌رسد این ارجاعی به یهودیانی باشد که خارج از اسرائیل زندگی می‌کردند. و در ۲: ۱ یعقوب به خوانندگان خود اینطور اشاره می‌کند:

از آن عیسای مسیح، خداوند پر جلال هستید (یعقوب ۲: ۱، ترجمه تفسیری).

روی هم رفته، این آیات نشان می‌دهند که مخاطب اصلی یعقوب عمدتاً متشکل از مسیحیان یهودی‌نژادی بود که خارج از فلسطین زندگی می‌کردند.

یعقوب چندین بار در کتاب خود، مخاطبانش را به شکلی محبت‌آمیز، «برادران» خواند. اما چطور یعقوب که در اورشلیم زندگی می‌کرد، مخاطبان خود را اینچنین خوب می‌شناخت که با آنها اینطور صحبت کند؟ خُب، از اعمال ۸: ۱-۴ متوجه می‌شویم که در موج جفای پس از شهادت استیفان، اعضای کلیسای اورشلیم در سرتاسر یهودیه و سامره پراکنده شدند. پس احتمال دارد که یعقوب به عنوان راهبر کلیسای اورشلیم، نامه خود را به این اعضای پراکنده «دوازده سبط» می‌نوشت. اما حتی اگر هم رساله مشخصاً خطاب به این ایمانداران نبود، به نظر می‌رسد که مخاطبین یعقوب متشکل از مسیحیان یهودی‌نژاد در شرایطی مشابه بود.

دایره واژگانی که یعقوب استفاده کرد نیز این فکر را تقویت می‌کند که خوانندگان اصلی او پیروان یهودی‌نژاد عیسی بودند. برای مثال، یعقوب در ۲: ۲ از واژه سِنِگاگ (συναγωγή - sunagogē) یا «کنیسه» برای توصیف گروه‌هایی‌های مخاطبین خود استفاده می‌کند. این، روشی معمول برای اشاره به اجتماعات یهودی بود. و در ۵: ۴ او از عبارت «خداوند قادر» یا «کوربوس صابائوت» (Κυρίου Σαβαώθ - kurios Sabaoth) استفاده کرد. این عبارت برگرفته از یک نام متداول «یهوه صباوت» برای خدای اسرائیل در عهد عتیق است. این چنین لحنی، زمانی بیشتر معنا پیدا می‌کند که گیرندگان نامه ریشه‌های قوی یهودی می‌داشتند.

آگاهی از پیش‌زمینه مخاطبین یعقوب بسیار مهم است چون به ما در مسیرمان برای درک پیامی کمک می‌کند که او می‌کوشد به مخاطب خود انتقال بدهد... مخاطبین یعقوب به عنوان یک جامعه یهودی دریافت‌کننده سنت کهن تورات موسی و پیام انبیا و نوشتجات آنها بودند... وقتی یعقوب با آنها درباره زندگی ایمانی، یعنی حیات حکیمانه صحبت می‌کند، در حال ترسیم روی این سنت غنی است. و لازم بود آنها در پرتو رستاخیز عیسی مسیح، درک کنند که چطور باید این را در زندگی‌شان به کار ببندند.

دکتر اسکات رد

حالا وقتی می‌گوییم که یعقوب نامه خود را به مسیحیان یهودی‌نژاد می‌نوشت، منظورمان این نیست که در کلیساهای مورد اشاره یعقوب ایمانداران غیر یهودی وجود نداشتند. از همان ابتدا، در باب ۸ اعمال، درباره ایمانداری اتیوپیایی می‌خوانیم. و همانطور که از اعمال باب ۱۰ می‌آموزیم، بسیاری افراد خداترس از امت‌ها وجود داشتند که یهودی شده بودند و در کنیسه شرکت می‌کردند. بنابراین، غافلگیرکننده نبود که حداقل چند ایماندار غیر یهودی هم

در این کلیساها پیدا می‌شدند. طبق رومیان ۹: ۸، ایمانداران غیر یهودی به عنوان «فرزندان ابراهیم» در نظر گرفته می‌شدند و به طور ایده‌آل، آنها هم به همان اندازه هر یهودی ژنتیکی دیگری، از دوازده سبط محسوب می‌شدند. ما با توجه به نویسنده‌گی و مخاطب اصلی، به پیش‌زمینه یعقوب نگاه کردیم. حالا آماده‌ایم تا به بررسی دلیل نگارش آن بپردازیم.

دلیل نگارش

ما در سه مرحله به کنکاش در دلیل نگارش رساله یعقوب می‌پردازیم. نخست، مکان نویسنده و مخاطب را بررسی می‌کنیم. دوم، به تاریخ نگارش خواهیم پرداخت. و سوم، درباره هدف رساله یعقوب تعمق می‌کنیم. بیایید با نگاهی به مکان نویسنده و مخاطب این نامه، شروع کنیم.

مکان

تشخیص مکان نویسنده، دشوار نیست. عهد جدید و پدران کلیسا، هر دو اظهار می‌کنند که یعقوب حیات خدمتی خود را در اورشلیم سپری کرد، و تا زمان شهادتش در سال ۶۲ میلادی، در اورشلیم ماند. از همین رو، دلیلی ندارد که فکر کنیم او رساله‌اش را از مکان دیگری نوشته باشد.

تشخیص مکان مخاطبین اصلی هم به نوعی آسان است. همانطور که اشاره کردیم، به احتمال زیاد دریافت‌کنندگان نامه ایمانداران یهودی‌نژادی بودند که پس از قتل استیفان در سرتاسر یهودیه و سامره پراکنده شده بودند. اعمال ۱۱: ۱۹ به ما می‌گوید که این ایمانداران آواره در جستجوی مکانی امن برای زندگی تا فینیقیه، انطاکیه و قبرس سفر کردند. نمی‌توانیم مطمئن باشیم که یعقوب برای ایمانداران این مناطق به‌خصوص نوشته باشد؛ با این حال، بر اساس تحیت ابتدایی یعقوب به «دوازده سبط» که در جهان «پراکنده‌اند»، احتمالی قوی وجود دارد که این مناطق، مکان مخاطبین اصلی یعقوب باشند.

ما واقعا فکر می‌کنیم که اینها حقیقتا اسباط پراکنده هستند. یعنی اعضای کلیسای اورشلیم که به خاطر جفای بعد از شهادت استیفان در فینیقیه و قبرس و انطاکیه، پراکنده شده بودند که کاملا ممکن است، در حقیقت فکر می‌کنیم به احتمال خیلی زیاد، یعقوب خطاب به این افراد به عنوان اعضای کلیسای خودش می‌نوشت. دلیلی که اینطور فکر می‌کنیم این هست که او به شکل غافلگیرکننده‌ای حداقل به طور آشکار هیچ الاهیاتی به ما نمی‌دهد؛ او تحت اصطلاحات ساختار انجیل صحبت نمی‌کند. موارد تقریبا زیادی وجود دارند که او به آنها اشاره‌ای نمی‌کند و من به عنوان یک شبان فکر می‌کنم که خُب، او احتمالا به این موارد قبلا طی خدمت خودش اشاره کرده بود و الان با مخاطبین آشنای خودش مثل یک شبان و به همان شکل صحبت می‌کرد... و بنابراین، این تاثیر زیادی روی درک

ما از رسالهٔ یعقوب دارد و ما به این مخاطبین پراکنده اینطور نگاه می‌کنیم که آنها از قبل تحت خدمت او بودند و یعقوب بر همین اساس نوشت.

دکتر مایکل کینسن

با در ذهن داشتن این اولین جنبه از دلیل نگارش رسالهٔ یعقوب، یعنی مکان نویسنده و مخاطب، حالا بیایید به زمان نگارش این نامه بپردازیم.

زمان

تعیین مقدم‌ترین و موخرترین تاریخ‌های احتمالی برای نامه، تقریباً آسان است. اول، مقدم‌ترین تاریخ احتمالی برای نگارش نامه سال ۴۴ میلادی است. می‌دانیم که یعقوب رساله‌اش را به عنوان راهبر کلیسای اولیهٔ اورشلیم نوشت. اعمال ۱۲: ۱۷ نشان می‌دهد که یعقوب هم‌زمان با آزادی پطرس از زندان، تبدیل به راهبر مهمی در کلیسای اورشلیم شده بود. طبق اعمال ۱۲: ۱۹-۲۳، پطرس در سال ۴۴ میلادی که هیرودیس آگریپاس اول فوت کرد، آزاد شد. این باعث می‌شود که رساله، خیلی پیش‌تر از این تاریخ نوشته نشده باشد. دوم، موخرترین تاریخ ممکن برای نگارش این رساله، سال شهادت یعقوب در ۶۲ میلادی است. همانطور که پیش‌تر دیدیم، به روایت یوسفوس، یوسف به دست حنانیای کاهن در حدود این زمان کشته شد. این، بازهٔ زمانی مختصری برای نگارش نامه به دست می‌دهد.

خود نامه شامل اشارهٔ ویژه‌ای به وقایع تاریخی نیست که زمان آن را به طور مشخص‌تر نشان دهد. اما حداقل دو دلیل وجود دارد که فکر کنیم زمان مقدم‌تر مربوط به نگارش نامه است و نه موخرتر.

یکی این است که همانطور که پیش‌تر اشاره کردیم، یعقوب در ۲: ۲ از واژهٔ سِنِگَاگ (sunagogē) یا «کنیسه» برای توصیف گردهمایی‌های مخاطبین خود استفاده می‌کند.

استفاده از «کنیسه» به نظر می‌رسد مرحله‌ای اولیه از شکل‌گیری جنبش مسیحی را نشان می‌دهد. شاید یعقوب پیش از آنکه مسیحیان به اجبار از کنیسه‌ها اخراج شوند، رسالهٔ خود را نوشته بود. یا حداقل، او در زمانی نوشت که مسیحیان هنوز گردهمایی‌های خود را «کنیسه» می‌خواندند.

علاوه بر این، در رسالهٔ یعقوب هیچ اشاره‌ای به موضوع مسیحیان یهودی‌نژاد و غیر یهودی نیست. یعنی مباحثاتی که در نوشته‌های پطرس و پولس توجهات زیادی را به خود جلب کردند.

در کلیسای اولیه، وقتی که غیریهودیان بسیاری به مسیح ایمان آوردند، مناقشات بسیاری در این باره به وجود آمد که آیا این نوایمانان می‌باید از رسوم یهودی پیروی کنند یا نه. ممکن است یعقوب به سادگی چنین برگزید

که به این مباحثات نپردازد. اما به احتمال بیشتر، آنها هنوز به عاملی عمده در حیات کلیساهای جوانی که یعقوب مخاطب قرار داد نشده بودند.

پس از نگاه به دلیل نگارش رساله از ابعاد مکان و زمان، بیایید هدف یعقوب از نگارش این رساله را بررسی کنیم.

هدف

یکی از مفیدترین راه‌ها برای جمع‌بندی هدف کلی یعقوب، نگاه به یعقوب ۱: ۲-۴ است. یعقوب در ابتدای سخن، به خوانندگانش چنین گفت:

ای برادران من، وقتی که در تجربه‌های گوناگون مبتلا شوید، کمال خوشی دانید. چونکه می‌دانید که امتحان ایمان شما صبر را پیدا می‌کند. لکن صبر را عمل تام خود باشد تا کامل و تمام شوید و محتاج هیچ چیز نباشید (یعقوب ۱: ۲-۴).

همانطور که این متن نشان می‌دهد، مخاطبان یعقوب با مشکلات فراوانی روبرو بودند. اما یعقوب آنان را به برخورداری از کمال خوشی در مشکلاتشان فرا می‌خواند. او توضیح می‌دهد که مشکلات و امتحانات، باعث صبر و استقامت می‌شوند. و آنانی که پایداری می‌کنند، «کامل و تمام» می‌شوند و «محتاج هیچ چیز» نخواهند بود. اما کلید حقیقی پیغام یعقوب، در آیهٔ بعدی است. یعقوب در آیهٔ ۵، با این سخنان اندیشهٔ خود را کامل می‌کند:

اگر از شما کسی محتاج به حکمت باشد، سوال بکند از خدایی که هر کس را به سخاوت عطا می‌کند و ملامت نمی‌نماید و به او داده خواهد شد (یعقوب ۱: ۵).

ما بعداً در این درس با جزئیات بیشتری به این آیه می‌پردازیم. اما اکنون، این متن برای مان پنجره‌ای به خلاصهٔ تمام این رساله باز می‌کند. برای تجربهٔ کمال خوشی در میانهٔ مشکلات و آزمایشات، از خدا حکمت بطلبید و به شما داده خواهد شد. با در نظر داشتن این نکته، می‌توانیم هدف اصلی رسالهٔ یعقوب را اینطور جمع‌بندی کنیم:

یعقوب مخاطبانش را به تعاقب حکمت از خدا می‌خواند تا در آزمایشاتشان از شادی برخوردار باشند.

برای مخاطبان یعقوب مهم بود که این پیام را بشنوند. همانطور که پیش‌تر گفته شد، مخاطبان یعقوب دیگر در فلسطین نبودند. آنها جایی بسیار دور از خانه، و «پراکنده در بین ملل» زندگی می‌کردند. بدون شک، برای آنها آسان نبود که در آزمایش‌ها و مشکلات‌شان شادی پیدا کنند. به نظر می‌رسد این برخی از آنها را به سوی ترک وفاداری‌شان به مسیح سوق داده بود. در عوض، آنها به دنبال چیزی بودند که یعقوب آن را «دوستی دنیا» خواند. به یعقوب ۴:۴ گوش کنید که او از این کلمات شدید استفاده کرد:

ای زانیات، آیا نمی‌دانید که دوستی دنیا، دشمنی خداست؟ پس هر که می‌خواهد دوست دنیا باشد، دشمن خدا گردد (یعقوب ۴:۴).

واضح است که برخی در میان مخاطبان یعقوب، از ایمان منحرف شده بودند و یعقوب به آنان هشدار داد که دوستی با دنیا، آنان را «دشمن خدا» می‌سازد. دیگر جای تعجبی ندارد که یعقوب اقتدار خود به عنوان راهبر کلیسا را به کار می‌برد. یعقوب مکررا به خوانندگان خود دستور داد تا به شکلی منطبق با اعتراف خالصانه به ایمان زندگی کنند. او در ۱۰۸ آیه رساله‌اش، بیش از ۵۰ بار از افعال امری یا دستورات مستقیم استفاده کرد. او غالبا از اشکال دستوری دیگری نیز استفاده کرد که در متن‌شان مانند افعال امری عمل کردند. راه‌حل اصلی یعقوب برای مشکلاتی که مخاطبانش با آنها روبرو بودند، صرفا دستور به انجام این و آن نبود. برای او اصل موضوع این بود که آنها به تعاقب حکمت از خدا نیاز دارند. حکمت خدا کلید دریافت شادی برای آنها در خلال تحمل مشکلات و آزمایشات فراوان‌شان بود. به این کلمات مشهور در ۴:۸-۱۰ گوش کنید که یعقوب به خوانندگانش گفت:

به خدا تقرب جوید تا به شما نزدیکی نماید... در حضور خدا فروتنی کنید تا شما را سرافراز فرماید (یعقوب ۴:۸-۱۰)

یعقوب به ایمانداران دستور داد خود را فروتن کنند تا خدا آنها را سرافراز کند. او تعلیم داد که فروتنی در حضور خدا، راهی به سوی حکمت است. و وقتی پیروان مسیح با سرسپردگی فروتنانه به خدا نزدیک می‌شوند، حکمتی که دریافت می‌کنند حتی در حال پایداری در خلال آزمایشات و مشکلات، شادی به بار می‌آورد. تا به اینجا، در مقدمه‌مان بر یعقوب، به پیش‌زمینه رساله یعقوب نگاه کردیم. اکنون آماده‌ایم تا به بررسی ساختار و محتوای رساله بپردازیم.

ساختار و محتوا

اشاره کردیم که کتاب یعقوب تمرکز زیادی بر حکمت به عنوان راه شادی یافتن در زمان آزمایشات دارد. اما این تاکید بر حکمت به ما کمک می‌کند تا چیزی بیش از هدف این کتاب را درک کنیم. بسیاری مفسرین، از کتاب یعقوب به عنوان کتاب حکمت عهد جدید صحبت می‌کنند و این چشم‌انداز همچنین به ما کمک می‌کند تا ساختار و محتوای غیر معمول این رساله را درک کنیم.

در زمانی که یعقوب نامه خود را نوشت، تاریخی طولانی از ادبیات حکمت وجود داشت که از عهد عتیق سرچشمه می‌گرفت. نوشتجات حکمت عهد عتیق شامل کتاب‌های ایوب، جامعه، امثال، و همچنین تعدادی از مزامیری که مزامیر حکمت خوانده می‌شوند و نیز سخنان نبوتی حکمت‌آمیز است. وام‌داری یعقوب به این ادبیات عهد عتیق به اشکال متعددی مشهود است. برای نمونه، یعقوب در ۵: ۱۱ از مثال ایوب – شخصیت اصلی در کتاب ایوب – برای تشویق به پایداری استفاده می‌کند. گذشته از این، یعقوب به موضوعاتی مانند گفتار، رفتار با بیوه‌گان و یتیمان، تنگدستی، و تبعیض می‌پردازد. این موضوعات، بازتاب تشابهات متعددی با محتوای کتاب امثال است.

وقتی کتاب یعقوب را می‌خوانیم، یکی از چیزهایی که به عنوان موضوعی مشترک می‌بینیم، واژه «حکمت» است. حکمت به طور آشکار ارزش زیادی برای او دارد – حکمتی که از بالاست و در تضاد با حکمت زمینی. و این ارزش زیاد برای حکمت و ساختار رساله، باعث می‌شود فکر کنیم ادبیات حکمت که پیش از او وجود داشت، تاثیر زیادی بر زندگی او گذاشته است. حالا، فکر می‌کنم صریح‌ترین شکل این موضوع را در نقل قول و استفاده او از کتاب امثال می‌بینیم و نیز در شکلی که او سخنان خداوندمان عیسی را به یاد آورد که او نیز معمولا در زمینه‌ای حکمت‌آمیز صحبت کرد... در کنار آن، در دوره مابین عهد عتیق و جدید، یک پیشرفت، یک ژانر ادبی واقعا، در اندیشه و نوشته‌جات حکمت وجود داشت. و فکر می‌کنم بعضی از همان مضامین ادبیات حکمت را در یعقوب می‌بینیم. گاهی همان ساختار را هم می‌بینیم. اما فکر می‌کنم خیلی از مضامین هم واقعا با کتاب امثال و همچنین عیسی شروع شدند و بنابراین فکر می‌کنم تاثیر بزرگتر روی یعقوب، احتمالا از عیسی و امثال است. اما آن ژانر ادبی و اهمیت حکمت امثالی در طول «یهودیت معبد دوم»، حدود زمان عیسی، در کتاب یعقوب هم خیلی مهم است.

دکتر دیوید د. چپمن

نامهٔ یعقوب همچنین بازتاب‌دهندهٔ محتوای کتاب‌های حکمت تاثیرگذار خارج از کتاب مقدس، مانند «حکمت یسوع بن سیراخ» هم هست که به نام سادهٔ «سیراخ» نیز شناخته می‌شود، و کتاب «حکمت سلیمان». این کتاب‌ها در زمان یعقوب مشهور بودند، و تشابهات قابل توجهی با هر دو کتاب در نامهٔ او وجود دارند. فقط به عنوان یک مثال، در ۱: ۲۶ از کتاب سیراخ می‌خوانیم:

اگر در طلب حکمت هستید، احکام را حفظ کنید و خداوند آن را به شما می‌بخشد.

و یعقوب ۱: ۵ به ما می‌گوید:

اگر از شما کسی محتاج به حکمت باشد، سوال بکند از خدایی که هر کس را به سخاوت عطا می‌کند و ملامت نمی‌نماید و به او داده خواهد شد.

علاوه بر این انواع ادبیات ادبی، بسیاری از تعالیم عیسی که در اناجیل ثبت شده‌اند، مشخصهٔ تعالیم حکمت در اسرائیل را دارند، و مفسرین تعدادی از تشابهات بین نوشته‌های یعقوب و تعالیم عیسی را ذکر کرده‌اند. برای نمونه، متی ۵: ۱۰ را در نظر بگیرید که عیسی گفت:

خوشا به حال زحمت‌کشان برای عدالت، زیرا ملکوت آسمان از آن ایشان است (متی ۵: ۱۰).

این را با یعقوب ۱: ۱۲ مقایسه کنید که یعقوب نوشت:

خوشا به حال کسی که متحمل تجربه شود، زیرا که چون آزموده شد، آن تاج حیاتی را که خداوند به محبان خود وعده فرموده است خواهد یافت (یعقوب ۱: ۱۲).

ادبیات حکمت یهودی در قرن اول و کمی پیش از آن، تاثیر قابل توجهی بر یعقوب داشت، مخصوصاً در محیط فرهنگی و ادبی‌ای که او با آن کار می‌کرد. در حقیقت، ده‌ها اشاره و شباهت بین رسالهٔ یعقوب و ادبیات دیگر در عهد عتیق و ادبیات یهودی وجود دارد. می‌دانید که یعقوب دو بار از امثال نقل قول کرد، حداقل یک بار اما احتمالاً دو بار، و اشارات زیادی به طور خاص به حکمت یسوع بن سیراخ دارد؛ اثری که حدوداً یک قرن قبل از عهد جدید نوشته شده بود... اما یک چیز منحصر به فرد به لحاظ حکمت در رسالهٔ یعقوب وجود دارد و آن اینکه او پیوند بسیار

نزدیکی بین حکمت خود و تعلیم عیسی برقرار می‌کند... یعقوب احتمالا یکی از رنگین‌ترین تصویرگران عهد جدید است با به تصویر کشیدن کشتی‌هایی که با سکانی کوچک به هر طرف هدایت می‌شوند؛ کشاورزانی که صبورانه انتظار می‌کشند؛ و تاجرانی که سفر می‌کنند. تصویرهای بسیار زیادی وجود دارد. اینها همه تاثیر حکمت هستند. اما محتوای رسالهٔ یعقوب واقعا در مسیری پیش می‌رود که عیسی ملکوت را ارائه می‌کند و مسیری که حضور ملکوت زندگی شما را عوض می‌کند.

دکتر دَن مک‌کارتنی

به دلیل پیوند تنگاتنگ رسالهٔ یعقوب با ادبیات حکمت، ساختار این رساله کاملاً با آنچه ممکن است انتظار داشته باشیم تفاوت دارد. حتی نگاهی کوتاه به این نامه، به ما می‌گوید که نظام ساده‌ای ندارد. در حقیقت، از دیدگاه امروزی ما، می‌تواند کاملاً بی‌نظم به نظر برسد. کتاب یعقوب، با شباهت زیادی به کتاب امثال، به مضامین مهم مختلفی می‌پردازد و معمولاً پیش از آنکه از مضمونی به مضمون بعدی برود، تنها چند آیه را صرف هر کدام از آنها می‌کند. گاهی بعداً در نامهٔ خود به یک یا چند مضمون بر می‌گردد اما بدون هیچ ثباتی. حتی برخی از مفسرین چنین نتیجه گرفته‌اند که رسالهٔ یعقوب ساختاری ندارد. آنها می‌گویند که این نامه صرفاً مجموعه‌ای از سخنان حکیمانه است و نظم واقعی یا جریان فکری ندارد.

اما در اینجا باید مراقب باشیم. این نامه فقط مخلوطی بی‌نظم از آیه‌های غیر مربوط نیست که بدون هیچ نظم کناری هم باشند. اگرچه کتاب یعقوب از هر دو بُعد شکل و محتوا شبیه ادبیات حکمت است، اما به اشکال متفاوتی با این سبک ادبی تفاوت دارد. بر خلاف دیگر ادبیات حکمت، نامهٔ یعقوب به کلیساهای مشخصی نوشته شده بود و به همین دلیل، بازتاب‌دهندهٔ برخی از ویژگی‌های سازمانی دیگر رسالات عهد جدید است.

در بین مفسرین، توافق اندکی دربارهٔ نظام یا ساختار رسالهٔ یعقوب وجود دارد. اما در راستای اهداف این درس، این کتاب را به هفت بخش تقسیم کردیم.

* رساله با درود یعقوب در ۱: ۱ آغاز می‌شود.

* اولین بخش عمده، مقدمه‌ای بر مضامین اصلی کتاب در ۱: ۲-۱۸ است که شاید آن را حکمت و شادی

بخوانیم.

* دومین بخش عمده، بیانگر اهمیت یعقوب برای حکمت و اطاعت در یعقوب ۱: ۱۹-۲: ۲۶ است.

* سومین بخش عمده، در یعقوب ۳: ۱-۴: ۱۲ به حکمت و صلح در جامعهٔ مسیحی می‌پردازد.

* چهارمین بخش عمده در یعقوب ۴: ۱۳-۵: ۱۲، بر حکمت و آینده تمرکز می‌کند.

* پنجمین و آخرین بخش عمده در یعقوب ۵: ۱۳-۱۸، به نکاتی اختصاص دارد که شاید آن را حکمت و دعا توصیف کنیم.

* پس از این پنج بخش عمده، در ۵: ۱۹ و ۲۰، نصیحت پایانی وجود دارند.

بیاید به هر یک از این بخش‌ها نگاه دقیق‌تری داشته باشیم. با سلام در یعقوب ۱: ۱ شروع می‌کنیم.

درود (۱: ۱)

دوباره به سلام کوتاه یعقوب در ۱: ۱ گوش کنید:

یعقوب که غلام خدا و عیسی مسیح خداوند است، به دوازده سبط که پراکنده هستند، خوش باشید (یعقوب ۱: ۱)

ما نباید از اینکه یعقوب خودش را در اینجا چطور معرفی می‌کند، غافل شویم. او خود را یک «غلام خدا و عیسی مسیح خداوند» می‌خواند. یعقوب می‌توانست خود را راهبر کلیسا یا حتی برادر عیسی معرفی کند. در عوض او چنین برگزید که خود را خدمت‌گزار خدا و مسیح معرفی کند. این ارجاع دوگانه شاید ابراز فروتنی شخصی یعقوب باشد که یکی از مضامینی است که او بعدتر در این نامه به آن می‌پردازد. او در اینجا نمونه‌ای از این فروتنی را با روشن ساختن اینکه خدمت‌گزار برادرش عیسی بود، نشان داد.

پس از درود، مرکز اولین بخش عمده بر چیزی قرار می‌گیرد که آن را حکمت و شادی خواندیم.

حکمت و شادی (۱: ۲-۱۸)

یعقوب نامه‌اش را به مسیحیانی نوشت که از اورشلیم رانده و در دنیای اطراف مدیترانه پراکنده شده بودند. آنها با انواع آزمایشات و مشکلاتی روبرو بودند که بی‌شک دل‌سردشان کرده بود. و به همین دلیل، اولین سخنان یعقوب دربارهٔ اهمیت حکمت با فرا خواندن به شادی آغاز می‌شود. دوباره به یعقوب ۱: ۲ گوش کنید که یعقوب به مخاطبینش گفت:

ای برادران من، وقتی که در تجربه‌های گوناگون مبتلا شوید، کمال خوشی دانید (یعقوب ۱: ۲).

این بخش شاید به نظر ما عجیب باشد، به ویژه چون افرادی را مخاطب قرار می‌دهد که با «تجربه‌های گوناگون» روبرو بودند. اما درخواست یعقوب برای «کمال خوشی» دانستن آزمایشات و مشکلات، آنچنان هم که ممکن است ما فکر کنیم، غیر عادی نیست.

عبارت «کمال خوشی» از اصطلاح یونانی «پسان خاران» (pasan charan / πᾶσαν χαρὰν) می‌آید که می‌تواند به «خوشی مطلق یا کامل» ترجمه شود. این گونه تشویق کاملاً با دیگر ادبیات حکمت زمانه یعقوب سازگار است. نوشته‌جات حکمت‌آمیز بارها رنج‌دیدگان را تشویق کرده تا خود را برکت‌یافته بدانند. برای نمونه، عیسی خوشا به حال‌ها را در متی ۵: ۱۲ با فراخوانی به «خوشی و شادی عظیم» در روبرویی با جفا، خاتمه داد. همانطور که پیش‌تر گفتیم، یعقوب در ۱: ۳-۴ تعلیم داد که پایداری در طول آزمایشات، «کامل و تمام» شدن برای ایمانداران را ممکن می‌سازد. به عبارت دیگر، وقتی قوم خدا متحمل سختی می‌شوند در راستای کمال تمام آنچه که خدا برای‌شان در نظر دارد رشد می‌کنند. اما در واقعیت، معمولاً حتی برای خالص‌ترین ایمانداران هم دشوار است که در میانه رنج‌ها ببینند چطور این مورد حقیقت دارد. به همین دلیل است که درست در آیه بعدی، یعقوب به خوانندگان خود گفت تا در پی حکمت از خدا باشند. به یاد دارید که یعقوب ۱: ۵ می‌گوید:

اگر از شما کسی محتاج به حکمت باشد، سوال بکند از خدایی که هر کس را به سخاوت عطا می‌کند (یعقوب ۱: ۵).

آنهایی که می‌خواهند در زمان تحمل رنج آزمایشات از کمال خوشی برخوردار باشند، باید از خدا روشن‌بینی بطلبند. آنان به کمک حکمت نیاز دارند تا درک کنند که چطور آزمایشات‌شان منجر به پیشرفت‌شان می‌شود؛ و اگر اینگونه حکمتی را از خدا بطلبیم، او آن را به ما خواهد بخشید. همانطور که یعقوب ادامه می‌دهد و در ۱: ۱۷ می‌گوید، خدا به قوم خود چیزهای نیکو و کامل می‌بخشد. یعقوب این بخش را در ۱: ۱۸ با این اطمینان خاتمه می‌بخشد که:

[خدا] محض اراده خود ما را به وسیله کلمه حق تولید نمود تا ما چون نوبر مخلوقات او باشیم (یعقوب ۱: ۱۸).

وقتی حکمت دریافت می‌کنیم تا بفهمیم که خدا چگونه از طریق آزمایشات عمل می‌کند، می‌توانیم شاد باشیم. حکمت، اطمینان ما را تحکیم می‌کند که خدا برکت نجات ابدی را برای ما مقرر کرده است. یعقوب پس از صحبت درباره حکمت و شادی، به سراغ رابطه بین حکمت و اطاعت می‌رود.

حکمت و اطاعت (۱: ۱۹-۲: ۲۶)

یعقوب در این بخش، در سه مرحله بنیادین از حکمت و اطاعت صحبت می‌کند. برای شروع، ۱: ۱۹-۲۷ اهمیت عمل به جای شنیدن یا سخن گفتن صرف را مطرح می‌کند.

عمل (۱: ۱۹-۲۷)

در ۱: ۲۲ چنین می‌خوانیم:

لکن کنندگان کلام باشید نه فقط شنوندگان که خود را فریب می‌دهند (یعقوب ۱: ۲۲).

صرفاً شنیدن کلام کافی نیست. کلام حکمت از خدا باید به اطاعت هم منجر شود. در غیر این صورت، خودمان را فریب می‌دهیم.

وقتی نامه یعقوب را می‌خوانید متوجه می‌شوید که او واقعا بر احتیاج به کارگیری آنچه که می‌گوییم باور داریم تاکید می‌کند. این مضمون برجسته‌ای در سرتاسر رساله است. باید این سوال را بپرسیم که چرا یعقوب بر این مسئله تاکید دارد؟ اولین پاسخی که به نظر می‌رسد این است که یعقوب در دنیایی واقعی زندگی می‌کند، به مردم واقعی خدمت می‌کند، و دنیایی که ما در آن زندگی می‌کنیم دنیایی است که حرف در آن ارزشی ندارد؛ جایی که خیلی راحت است بگوییم به خدا ایمان داریم و خیلی دشوارتر است در پی آنچه آن باور در عمل می‌طلبد برویم. به نظر می‌رسد این نه تنها چالشی برای یعقوب، بلکه برای عیسی هم بود... حرف زدن مثل عمل کردن نیست. عیسی این را می‌داند. یعقوب این را می‌داند. آنها می‌کوشیدند به مردمی واقعی در دنیایی واقعی با مشکلاتی واقعی رسیدگی کنند.

دکتر جیمی آگان

یعقوب از خوانندگان خود انتظار داشت تا کاری بیش از شنیدن صرف کلام خدا انجام دهند. او از آنها انتظار داشت ایمان‌شان را به کار ببندند. این مضمون به قدری برای یعقوب مهم بود که اگرچه در باب‌های ۱ و ۲ عمدتاً درباره‌اش صحبت کرد، اما در تمام طول رساله متناوبا به آن رجوع می‌کند. برای نمونه، در یعقوب ۳: ۱۳ دیدگاه بنیادین یعقوب درباره رابطه بین حکمت و اطاعت دوباره ظاهر می‌شود. یعقوب نوشت:

کیست در میان شما که حکیم و عالم باشد؟ پس اعمال خود را از سیرت نیکو به تواضع حکمت ظاهر بسازد (یعقوب ۳: ۱۳).

همانطور که این آیه نشان می‌دهد، حکمت و درک اهداف خدا در آزمایشات و سختی‌ها یک موضوع ذهنی صرف نیست. آنها که از آن برخوردارند، آن را با یک زندگی نیکو و اعمال متواضعانه‌ای نشان می‌دهند که از حکمتی ناشی می‌شود که خدا می‌بخشد.

بنابراین، یعقوب این بخش را در ۱: ۲۷ با خلاصهٔ خداترسی حقیقی، یا دین‌داری، به این شکل خاتمه داد:

دیانت پاک و بی‌آلایش در برابر خدای پدر این است که وقتی یتیمان و بیوه‌زنان دچار مصیبت می‌شوند، از آنها توجه کنیم و خود را از فساد جهان دور نگهداریم (یعقوب ۱: ۲۷).

یعقوب بسیار صریح دربارهٔ مذهب صحبت می‌کند – آنچه او «پاک و بی‌آلایش» می‌خواند، این است: «این است که وقتی یتیمان و بیوه‌زنان دچار مصیبت می‌شوند، از آنها توجه کنیم و خود را از فساد جهان دور نگه داریم.» و در فرهنگ ما که از بسیاری جهات خیلی مادی‌گراست، اینها دو روی یک سکه هستند که یکی از راههایی که ما آلودهٔ دنیا می‌شویم اهمیت ندادن به فقرا در اطرافمان است، یا فقر آنها را فقط به چیزی درون خودشان نسبت می‌دهیم و به دلیل اصولی آن نگاه نمی‌کنیم؛ یا به خودمان نگاه می‌کنیم که پول و منابع مالی در اختیار داریم و این یعنی، یعنی اینکه ما به نوعی برتر هستیم، یا اینکه برکت خدا را داریم و افراد فقیر آن را ندارند، در حالیکه حقیقت این هست که شما معمولاً می‌بینید ایمان افراد فقیر قوی‌تر و حقیقی‌تر از آدم‌هایی هستند که رنج آنها را نکشیده‌اند.

کشیش دکتر تورمان ویلیامز

پس از این فراخوان مقدماتی به عمل، یعقوب رابطهٔ بین حکمت و اطاعت را با تمرکز بر مشکل تبعیض در ۱: ۱۳-۱۲ به دقت شرح می‌دهد.

تبعیض (۲: ۱-۱۳)

ظاهراً بعضی افراد در بین مخاطبین یعقوب، نسبت به ثروتمندان ترجیح نشان می‌دادند و فقرا را نادیده می‌گرفتند. در این بخش یعقوب با فراخواندن آنها به بذل توجه صحیح به آنچه او «شریعت ملوکانه» نامید، به این مشکل می‌پردازد. یعقوب در ۲: ۸ گفت:

اگر آن شریعت ملوکانه را بر حسب کتاب به جا آورید یعنی «همسایه خود را مثل نفس خود محبت نما» نیکو می‌کنید (یعقوب ۲: ۸).

اساساً غفلت از فقرا به نفع ثروتمندان، قصوری است از «همسایه خود را محبت نما.» و یعقوب تعلیم داد که آنها باید با حفظ شریعت ملوکانه، از گناه تبعیض دوری کنند.

ما در تعلیم یعقوب درباره ثروتمندان و رابطه آنها با فقرا می‌بینیم که بازتابی حقیقی از تعلیم نجات‌دهنده در باب ۱۶ لوقاست. یعقوب در باب ۲ درباره این صحبت می‌کند که چطور شما نمی‌دانید که خدا فقرا را برگزید، آنها که او را محبت می‌کنند، تا وارثان پادشاهی او باشند... به محض ورود ثروتمندان به جلسات مسیحی به آنها علاقه و طرفداری نشان داده می‌شود. آنها متفاوت نشان داده می‌شوند - «می‌توانید سر جای من بشینید؛ می‌توانید بهترین جای مجلس را داشته باشید.» و یعقوب به آنها می‌گوید که اینگونه عمل می‌کنند هشدار می‌دهد که فقرا جایگاه کاملی در پادشاهی خدا دارند، از حقوق کامل میراث برخوردار هستند و بنابراین به آنها هم باید کرامت و احترام نشان داده شود و از عضویت کامل بین قوم خدا بهره‌مند باشند.

دکتر گِری پری

همانطور که دیدیم، کتاب یعقوب تمرکز مثبتی بر شریعت خدا دارد. در دیدگاه یعقوب، شریعت به ما می‌آموزد که از یکدیگر مراقبت کنیم، نسبت به فقرا دلسوز باشیم، و از تبعیض و امثالهم دوری کنیم. اما اگر مراقب نباشیم، این دیدگاه مثبت می‌تواند بد به کار برده شود. مسیحیان امروزی معمولاً اشاره می‌کنند که چطور شریعت خدا بیهوده به عنوان راهی برای تلاش و تبرئه ما در حضور خدا به وسیله اعمال عادلانه خودمان استفاده شده است؛ و ما حق داریم که چنین سوءاستفاده‌ای از شریعت را رد کنیم. اما در نقطه مقابل، کتاب یعقوب بر وجهی متفاوت از شریعت تأکید می‌کند. یعقوب تعلیم داد که اگرچه هیچکس نمی‌تواند توسط شریعت تبرئه شود، اما شریعت خدا منبع حکمت ما است و ما باید در اطاعت از آن زندگی کنیم. البته ما از شریعت به گونه‌ای اطاعت نمی‌کنیم که گویی همچنان در

عهد عتیق زندگی می‌کنیم؛ ما می‌باید همیشه شریعت خدا را در پرتو مسیح و تعالیم عهد جدید به کار ببندیم. اما آنها که برای نجات به مسیح اعتماد کردند، از سر حق‌شناسی نسبت به خدا مطیع شریعت هستند چون شریعت، مکاشفهٔ حکمت خداست. از این حیث، یعقوب طنین مزمور ۱۹: ۷ است که آنجا چنین می‌خوانیم:

شریعت خداوند کامل است و جان را بر می‌گرداند؛ شهادت خداوند امین است و جاهل را حکیم می‌گرداند (مزمور ۱۹: ۷).

پس از نشان دادن اهمیت عمل در پاسخ به کلام حکمت و مقاومت در برابر تبعیض با اطاعت از شریعت ملوکانهٔ خدا، یعقوب در ۲: ۱۴-۲۶ به رابطهٔ بین ایمان و اطاعت می‌پردازد.

ایمان (۲: ۱۴-۲۶)

یعقوب در ۲: ۱۴ این پرسش را اعلام می‌کند:

ای برادران من، چه سود دارد اگر کسی گوید: «ایمان دارم» وقتی که عمل ندارد؟ آیا ایمان می‌تواند او را نجات بخشد؟ (یعقوب ۲: ۱۴).

یعقوب پاسخ این پرسش را با یک «نه» بلند اعلام می‌کند. او به روش‌های متعددی این کار را انجام می‌دهد. نخست، او اشاره کرد که حتی شیطان به چیزهای حقیقی دربارهٔ خدا باور دارد، اما این برای او فایده‌ای ندارد. بعد اشاره می‌کند که چطور ایمان ابراهیم او را به سوی اطاعت سوق داد. و تشریح کرد که چطور راحاب ایمان خود را از طریق اعمال نیکو به نمایش گذاشت. بنابراین، یعقوب در ۲: ۲۶ نتیجه‌گیری مشهور خود را ترسیم می‌کند:

چنانکه بدن بدون روح مرده است، همچنین ایمان بدون اعمال نیز مرده است (یعقوب ۲: ۲۶).

به عقیدهٔ یعقوب، ایمان صحیح داشتن کافی نیست. ایمانی که خود را در اطاعت نشان ندهد، مرده است. ایمان حقیقی نجات‌بخش نیست. یعقوب پس از نصیحت مخاطبین خود به حیاتی مطیعانه، توجه خود را به رابطهٔ بین حکمت و صلح میان پیروان عیسی معطوف کرد.

حکمت و صلح (۳: ۱-۴: ۱۲)

به پرسش یعقوب در ۴: ۱ گوش کنید:

از کجا در میان شما جنگ‌ها و از کجا نزاع‌ها پدید می‌آید؟ (یعقوب ۴: ۱).

با اینکه این پرسش در میانه این بخش مطرح می‌شود، اما به طرق مختلف تمامی این بخش به همین پرسش می‌پردازد.

در این بخش یعقوب به سه مشکل اصلی مربوط به حکمت و صلح در میان ایمانداران اشاره کرد. نخست، در ۳: ۱-۱۲ یعقوب بر زبان یا استفاده ما از کلمات تمرکز کرد.

زبان (۳: ۱-۱۲)

یعقوب در ۳: ۴ و ۵، زبان را با سکان کشتی مقایسه کرد و اینطور توضیح داد:

اینک کشتی‌ها نیز چقدر بزرگ است و از بادهای سخت رانده می‌شود، لکن با سکان کوچک به هر طرفی... برگردانیده می‌شود. همچنان زبان نیز عضوی کوچک است و سخنان کبرآمیز می‌گوید (یعقوب ۳: ۴-۵).

بعد در آیه ۶ پیش‌تر می‌رود و به مخاطبین خود می‌گوید:

عالم ناراستی در میان اعضای ما زبان است که تمام بدن را می‌آلاید و دایره کائنات را می‌سوزاند و از جهنم سوخته می‌شود! (یعقوب ۳: ۶).

هشدار یعقوب درباره ظرفیت زبان برای شر، بسیار شبیه چیزی است که در کتاب امثال پیدا می‌کنیم. کتاب امثال نیز بارها به خطرات مرتبط با زبان یا صحبت می‌پردازد. چنین چیزی را در قسمت‌هایی مانند امثال ۱۰: ۳۱؛ ۱۱: ۱۲؛ ۱۵: ۴؛ و بسیاری آیات دیگر پیدا می‌کنیم. یعقوب و امثال هر دو اشاره کردند که کلمات می‌تواند منجر به همه انواع مشکلات در بین قوم خدا بشوند. برای اجتناب از مناقشه و زندگی در صلح، باید زبان‌مان را کنترل کنیم.

وقتی به کتاب یعقوب می‌آییم و می‌شنویم که در مورد گفتار ما صحبت می‌کند، احتمالاً به یاد حرف‌های عیسی می‌افتیم که می‌گوید «زبان از زیادتی دل سخن می‌گوید.» و وقتی یعقوب روی حرف‌های عیسی تفکر می‌کند و

دستورالعمل‌هایی به کلیسا ارائه می‌کند - اینکه چطور باید در پرتو بازگشت مسیح زندگی کنیم و در انتظار بازگشت او در آینده باشیم - یکی از راه‌هایی که یعقوب به ما برای سنجش قلب‌مان می‌دهد، تمرکز روی کلمات‌مان است. به عبارت دیگر، یعقوب سخنان یک انسان، زبان که تشبیهی برای سخن هست، را به عنوان معیاری برای تمام اخلاقیات آن فرد می‌بیند. این به ما حرارت را نشان می‌دهد - برای اینکه به نحوه دیگری بیان کنیم - این به ما حرارت قلب یک نفر را نشان می‌دهد. و بنابراین، همانطور که عیسی می‌گوید «زبان از زیادتى دل سخن می‌گوید»، وقتی یعقوب می‌گوید مرد باید زبان خودش را رام کند و نباید از یک دهان برکت و لعنت بیرون بیاید، دارد به ما می‌گوید که قلب‌مان باید کاملاً به خدا متعهد باشد. ما نباید فردی دو دل باشیم بلکه باید با ایمان، محکم به تعالیم مسیح بچسبیم و وقتی چنین می‌کنیم، سخنان ما باید به جای لعنت، برادران و خواهران‌مان را برکت بدهد.

دکتر براندون د. کرو

دومین مشکل در ارتباط با حکمت و صلح، شامل دو نوع حکمت می‌شود که آن را در ۳: ۱۳-۱۸ پیدا می‌کنیم.

دو نوع حکمت (۳: ۱۳-۱۸)

در یعقوب ۳: ۱۴-۱۷ این سخنان را می‌خوانیم:

لکن اگر در دل خود حسد تلخ و تعصب دارید... این حکمت از بالا نازل نمی‌شود، بلکه دنیوی و نفسانی و شیطانی است... لکن آن حکمت که از بالا است، اول طاهر است و بعد صلح‌آمیز و ملایم و نصیحت‌پذیر و پر از رحمت و میوه‌های نیکو و بی‌تردد و بی‌ریا (یعقوب ۳: ۱۴-۱۷).

همانطور که در اینجا می‌بینیم، یعقوب برای توضیح رابطه حکمت و صلح، بین حکمت زمینی و حتی شیطانی، و حکمتی که از آسمان می‌آید تمایز قائل شد. حکمت زمینی به حسادت تلخ و جاه‌طلبی خودخواهانه منجر می‌شود. اما حکمتی که از سوی خداست، صلح به جامعه مسیحی می‌آورد.

یعقوب خوانندگان خود را فرا خواند تا مجادلات و نزاع‌های خود را کنار بگذارند. او توضیح داد که وقتی ما به تمایلات خودخواهانه‌مان می‌چسبیم، صلحی در میان‌مان وجود نخواهد داشت. او تعلیم داد که حکمت زمینی، تنها منجر به «فتنه و هر امر زشت» می‌شود. بنابراین یعقوب به خوانندگان خود آموخت بر حکمتی تکیه کنند که از سوی خدا می‌آید. وقتی چنین می‌کنیم، صلح را می‌یابیم. همانطور که یعقوب در ۳: ۱۸ می‌گوید:

میوه عدالت در سلامتی کاشته می‌شود برای آنانی که سلامتی را به عمل می‌آورند (یعقوب ۳: ۱۸).

سومین مشکل این بخش، در ۴: ۱-۱۲ به حکمت و صلح در رابطه با تنازعات درونی‌ای نگاه می‌کند که پیروان عیسی تجربه می‌کنند.

تنازعات درونی (۴: ۱-۱۲)

یعقوب ریشه نزع میان مسیحیان را در تمایلات خودخواهانه، انگیزه‌های اشتباه، و نارضایتی در میان ما می‌داند. از دیدگاه یعقوب، تمایلات شیرانه در بین مخاطبین او باعث خسارات فراوانی به جامعه مسیحی شده بود. آنها تحت کنترل خواسته‌هایشان بودند. و به همین خاطر، می‌جنگیدند، طمع داشتند، و حتی یکدیگر را نابود می‌کردند. از همین رو، یعقوب قاطعانه به آنها گفت که چه باید بکنند تا صلح برقرار شود. در ۴: ۷-۱۰ یعقوب گفت:

خدا را اطاعت نمایید... به خدا تقرب جوید تا به شما نزدیکی نماید... در حضور خدا فروتنی کنید تا شما را سرافراز فرماید (یعقوب ۴: ۷-۱۰).

تنها تسلیم فروتنانه به خدا بود که جنگ‌ها و مجادلات آنها را پایان می‌بخشید و منجر به صلح با یکدیگر می‌شد.

اکنون بیایید به رابطه بین حکمت و آینده توجه کنیم.

حکمت و آینده (۴: ۱۳-۵: ۱۲)

بحث یعقوب درباره حکمت و آینده می‌تواند به سه بخش تقسیم شود. بخش اول در ۴: ۱۳-۱۷ یافت می‌شود و به آنانی می‌پردازد که چنان برای آینده نقشه می‌کشیدند که گویی خدا امور را تحت کنترل ندارد.

نقشه کشیدن (۴: ۱۳-۱۷)

این آیات نشان می‌دهند که افراد بسیاری در بین مخاطبین یعقوب می‌کوشیدند تا برای آینده خود تصمیم بگیرند. تمرکز آنها بر ثروت‌اندوزی بود و درباره آنچه باید انجام می‌دادند و سفرهایی که باید می‌رفتند با تکبر صحبت می‌کردند. یعقوب در واکنش به این، به آنان یادآور شد که حیات‌شان زودگذر است. ممکن نبود که بدانند آینده چه برای‌شان رقم زده است. به ۴: ۱۵ و ۱۵ گوش کنید که یعقوب به آنها گفت:

باید گفت که «اگر خدا بخواهد، زنده می‌مانیم و چنین و چنان می‌کنیم.» اما الحال به عجب خود فخر می‌کنید و هر چنین فخر بد است (یعقوب ۴: ۱۵-۱۶).

فقط خداست که آینده را تحت کنترل دارد و آنانی که حکیم هستند، این را تصدیق می‌کنند. در دومین قسمت از این بخش، یعقوب به شکلی نسبتاً متفاوت به موضوع حکمت و آینده می‌پردازد. او در ۵: ۱-۶ نسبت به ثروت‌اندوزی به خاطر روز داوری آینده هشدار می‌دهد.

ثروت‌اندوزی (۵: ۱-۶)

یعقوب در قسمت‌های متفاوت، بسیار دربارهٔ برخورد با فقرا صحبت کرد و مکرراً ثروتمندان را برای سوءاستفاده از افرادی که بخت کمتر با آنان یار بوده است محکوم می‌کند. یعقوب در این آیات قویاً به ثروتمندانی اخطار داد که ثروت خود را به قیمت زیر پا گذاشتن فقرا اندوخته بودند و آنان را مطلع ساخت که به زودی بابت آن رنج خواهند کشید. همانطور که در ۵: ۳ می‌گوید:

طلا و نقرهٔ شما را زنگ می‌خورد و زنگ آنها بر شما شهادت خواهد داد و مثل آتش، گوشت شما را خواهد خورد. شما در زمان آخر خزانه اندوخته‌اید (یعقوب ۵: ۳).

همانطور که این آیات نشان می‌دهند، ثروت‌اندوزی به قیمت زیر پا گذاشتن دیگران داوری شدیدی در پی دارد.

آنچه یعقوب اساساً می‌گوید چیزی است که برای بسیاری از یهودیانی که او را شنیدند، فرای تصور بود. او اساساً درکی که بسیاری از اسرائیلیان دربارهٔ رابطهٔ بین فقیر و غنی داشتند را معکوس نمود و در حقیقت فقرا را برکت یافته می‌خواند و دربارهٔ این صحبت می‌کند که... در واقع به ثروتمندان هشدار می‌دهد که آمادهٔ توبه و منتظر داوری باشند... اساس آن داوری این است که این افراد ثروت‌اندوزی می‌کنند، که اساساً اگر شما با ثروت برکت یافته باشید، ارادهٔ خدا این است که آن را با همسایهٔ خود سهیم شوید، از آن برای برکت دادن همسایهٔ خود استفاده کنید، اما آنها این را برای خودشان جمع می‌کردند. آنها کارگران خود را با عدم پرداخت دستمزد عادلانه فریب می‌دادند... ثروت هدیه‌ای از طرف خداست که باید بر طبق ارادهٔ خدا استفاده شود، نه برای خودتان، بلکه در نهایت برای همسایه‌تان. به عبارت دیگر، هر کسب و کاری باید در مسیر اصل «همسایهٔ خود را مانند خودت محبت کن» حرکت کند.

کشیش دیوید لویس

سومین قسمت از بحث یعقوب دربارهٔ حکمت و آینده، در ۵: ۷-۱۲، به انتظار صبورانه برای آشکار شدن نقشهٔ خدا دربارهٔ آینده می‌پردازد.

انتظار صبورانه (۵: ۷-۱۲)

یعقوب به نقد آنانی پرداخت که بدون تکیه بر خدا برای حکمت، نقشه می‌کشند. و به آنانی که با ثروت‌اندوزی و سوءاستفاده از فقرا حکمت خدا را نادیده گرفتند هشدار داد که داوری خدا را خواهند دید. اما بعد از اینها، یعقوب آنانی که رنج می‌کشیدند را تشویق کرد تا صبورانه منتظر خدا باشند که تاریخ را پشت سر بگذارند. به ۵: ۷ و ۸ گوش کنید که یعقوب از این تشبیه استفاده کرد:

ای برادران، تا هنگام آمدن خداوند صبر کنید. اینک دهقان انتظار می‌کشد برای محصول گرانبهای زمین و برایش صبر می‌کند تا باران اولین و آخرین را بیابد. شما نیز صبر نمایید و دل‌های خود را قوی سازید زیرا که آمدن خداوند نزدیک است (یعقوب ۵: ۷-۸).

همانطور که اشاره کردیم، سخنان یعقوب در این بخش بیش از نصیحت صرف ثروتمندان بود. آنها همچنین مشوق فقرا و مظلومین بودند. سرزنش شدید یعقوب به مخاطبان او یادآوری کرد که روز داوری در راه بود. و در آن زمان، آنانی که وفادارانه به خدا تکیه کرده بودند، پاداش می‌گرفتند. او به این شکل وفاداران را تشویق کرد تا در مسیر حکمت‌خدایی ادامه دهند، اعتراف ایمان خود را زندگی کنند، و در پرتو بخش آخر نقشهٔ عظیم خدا برای آینده، مطیع او باشند.

کتاب یعقوب پس از تشریح ارتباط حکمت با شادی، اطاعت، صلح، و آینده برای خواندگانش، با کاربرد عملی کوتاهی از حکمت و دعا خاتمه می‌یابد.

حکمت و دعا (۵: ۱۳-۱۸)

مخاطبین یعقوب با مشکلات متعددی روبرو بودند. از خانه‌های خود آواره شده بودند. ثروتمندان به فقیران ظلم می‌کردند. آنها مشاجره می‌کردند و به یکدیگر صدمه می‌زدند. به نظر می‌رسد بسیاری تحت تاثیر امیال خودخواهانه‌شان بودند و برای‌شان دشوار بود که تا به شکلی منطبق بر اعتراف ایمان‌شان زندگی کنند. بنابراین، یعقوب در این آخرین بخش به آنها تعلیم داد در هنگام رویارویی با این مشکلات باید در جامعهٔ مسیحی چه کنند. مشابه آنچه یعقوب در ابتدای رساله تعلیم داد، در اینجا نیز به آنها فرمان داد تا خود را وقف دعا کنند. در وقت

مشکلات یا شادی، در زمان بیماری، حتی بیماری‌ای که در اثر گناهان فرد است، آنانی که از حکمت برخوردارند، دعا می‌کنند. به ۵: ۱۳ و ۱۴ گوش کنید که یعقوب به خوانندگان خود گفت:

اگر کسی از شما مبتلای بلایی باشد، دعا بنماید و اگر کسی خوشحال باشد، سرود بخواند. و هرگاه کسی از شما بیمار باشد، کشیشان کلیسا را طلب کند تا برایش دعا نمایند و او را به نام خداوند به روغن تدهین کنند (یعقوب ۵: ۱۳-۱۴).

واضح است که یعقوب از خوانندگان خود انتظار داشت تا در هر شرایطی، برای حکمت به خدا نزدیک شوند. دلیل این در آیه ۱۶ کاملاً روشن است؛ او گفت:

دعای مرد عادل در عمل، قوت بسیار دارد (یعقوب ۵: ۱۶).

یعقوب پس از اتمام بدنه اصلی رساله خود با فراخوانی به صبر و دعا در مشکلات، نامه‌اش را با یک نصیحت به پایان رساند.

نصیحت پایانی (۵: ۱۹-۲۰)

یعقوب در ۵: ۱۹-۲۰ از خوانندگان خود خواست تا مراقب یکدیگر باشند و آنانی که از حقیقت دور شده‌اند را باز آورند. او به آنها یادآوری کرد که به عنوان برادران و خواهران در جامعه ایمان، وظیفه و امتیاز این را داشتند که افراد را به سوی ایمانی هدایت کنند که حقیقتاً نجات می‌بخشد.

نتیجه‌گیری

در این مقدمه بر یعقوب، به پیش‌زمینه کتاب نگاهی داشتیم و به نویسنده، مخاطب و دلیل نگارش اشاره کردیم. همچنین به کنکاشی در ساختار و محتوای نامه پرداختیم و دیدیم چطور این کتاب برای ایماندارانی که با دلسردی مشکلات روبرو هستند، نقش کتاب حکمت عهد جدید را از طریق شادی، اطاعت، صلح، آینده و دعا دارد. کتاب یعقوب مسیحیان قرن نخست را به چالش کشید که برای حکمت در پی خدا باشند تا بتوانند در حین تحمل مشکلات، شادی داشته باشند. البته من و شما در شرایطی بسیار متفاوت از مخاطبین اصلی یعقوب زندگی می‌کنیم. اما ما هم با مشکلات روبرو می‌شویم و ما هم به حکمت از سوی خدا نیاز داریم تا به ما برای رویارویی با

آن مشکلات کمک کند. درست مانند مخاطبین اولیهٔ یعقوب، ما نیز به آن شادی خالص که حکمت خدا سبب می‌شود نیاز داریم. با اینکه در این درس ما فقط به آنچه پرداختیم که این کتاب در بر دارد، یک چیز باید روشن باشد: رسالهٔ یعقوب مسیری برای زندگی حکیمانه در همهٔ اعصار ترسیم می‌کند. و هرچه بیشتر این کتاب را در زندگی خود به کار بندیم، بیشتر برکت شادی خالصی که خدا به قوم خود عرضه می‌کند را فارغ از هر مشکل و دشواری‌ای که با آن روبرو هستیم دریافت می‌کنیم.